



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۱، صص ۳۸۳-۳۹۹

بررسی نسبت حاشیه نشینی و امنیت عمومی شهروندان

علی حیدری*^۱، ابوالقاسم محمودی^۲، سیدعلی فراهانی^۳

۱- فارغ التحصیل دکتری علوم سیاسی دانشگاه همدان

۲- فارغ التحصیل مقطع دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۳- فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد، جرم و جزا، دانشگاه نراق

heidari_1351@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

چکیده:

حاشیه نشینی پدیده ای اجتماعی است که همراه با گسترش آن شاهد افزایش ناامنی، بزهکاری، جرم و جنایت و... در جامعه هستیم. حاشیه نشینی با تحت تاثیر قرار دادن امنیت اجتماعی بویژه فراهم کردن بستر لازم برای ارتکاب جرایم همواره مورد توجه مدیران سیاسی فضای شهری بوده است. باید گفت در صورت بی اهمیتی به موضوع مورد مطالعه، جامعه در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز دچار بحران خواهد شد. چرا که همیشه حاشیه ها متن را تهدید می کنند. ناامنی در حاشیه طبیعتاً در متن نیز اثر گذار خواهد بود. جامعه ناامن به هیچ عنوان توسعه پیدا نخواهد کرد. برای همین پیش نیاز توسعه در حوزه های مختلف انسانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، همین مقوله امنیت اجتماعی است که نیاز هست به صورت همه جانبه مورد تحلیل قرار گیرد. تحقیق پیش رو با هدف بررسی تاثیر حاشیه نشینی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان با روش توصیفی-تحلیلی انجام گردیده است. نتایج نشان دهنده این است که حاشیه نشینان به دلیل جمعیت جوان، فقر، تزلزل شغلی، تحصیلات پایین، کمبود امکانات تفریحی، ضعف بهداشت، آشفتگی و افسردگی و... ممکن است امنیت شهروندان را تهدید کند. حاشیه نشینی به دلیل عدم انسجام و همبستگی با درون جامعه شهری با افزایش آسیب های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می شود. لذا می بایستی مدیران شهری و متولیان حفظ امنیت عمومی با تأکید بر مسائلی چون آموزش، تبلیغات، اعتماد سازی، مشارکت اجتماعی و از همه مهمتر با توسعه اقتصادی و سیاسی هزینه های امنیتی و اثرات تخریبی و آسیب های حاشیه نشینی را کاهش دهند.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، امنیت شهروندان، بزهکاری، فضای شهر، مدیریت سیاسی



۱- مقدمه و بیان مساله:

حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه به محلاتی در اطراف شهرهای بزرگ گفته می شود که افراد فقیر و کم بضاعت برای سکونت خود انتخاب می کنند. از اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی برداشت های متعدد ارائه شده است که هر یک بر ملاک ها و معیارهای خاصی مانند کالبد، جغرافیا، اقتصاد، روابط اجتماعی و ویژگی های روانی تأکید کرده اند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۵) تاریخچه حاشیه نشینی در جهان به نوعی به انقلاب صنعتی و به تبع آن به رشد شهرها گره خورده است. حاشیه نشینی چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، مستقیماً متأثر از نحوه صنعتی شدن شهرها بوده است (هادی و هادی، ۱۳۹۷: ۶۳۲)؛ رشد بیش از حد جمعیت مناطق حاشیه نشین باعث پیدایش و گسترش معضلات و بحرانهایی بسیاری از جمله ناامنی برای ساکنین این مناطق شده و مشکلات عدیده ای را برای شهروندان به همراه داشته است که مهمترین آنها وقوع جرم و جنایت و بحرانهایی امنیتی برای شهر می باشد. پدیده حاشیه نشینی به مفهوم امروزی، نخست در کشورهای صنعتی همراه با رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها به وجود آمده است. در کشورهای در حال توسعه نیز به دنبال برنامه های معماری کشورهای صنعتی و نفوذ و اشاعه فرهنگ و تکنولوژی آنان در این کشورها شروع به رشد و توسعه نموده است. افزایش جمعیت شهرنشینی و وجود حاشیه نشینی باعث افزایش رویکرد به مادی گرایی، کجروی، بی عاطفه گی و بروز بزهکاری می گردد و از آنجا که در شهرها افراد شناختی از یکدیگر نداشته و در نتیجه کنترل و نظارت اجتماعی بر عملکرد آنان از میان رفته است موجب شکل گیری نابهنجاری اجتماعی می گردد. به طوری که میزان جرایم شهری با توسعه شهرها و افزایش جمعیت ارتباط مستقیم دارد. لذا شاهد شکل گیری نقاطی مستعد در پیرامون کلانشهرها می باشیم که به عنوان بهترین پایگاه شکل گیری و ترویج ناهنجاریهای اجتماعی شناخته می شود. البته سرعت این تحولات در کشورهای کمتر توسعه یافته بسیار شتابان است چرا که رشد شهری در کشورهای در حال توسعه همراه با افزایش تعداد سکنه در نقاط فاقد شرایط استاندارد می باشد (Chowdhury & et al, 2006, ۵۳۹) بدین ترتیب حاشیه نشینی بعنوان یک بستر ارتکاب جرایم مورد توجه مسئولین امنیتی و قضائی قرار گرفته است. امنیت عمومی بعنوان مقوله ای فراگیر و پیش شرط در هر نوع برنامه ریزی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی جایگاهی برجسته دارد. یکی از مهمترین دلایل اصلی پیدایش شهرها دستیابی به امنیت بوده است. لذا حکومت های کوچک محلی که ترس از فروپاشی داشته اند جای خود را به حکومت های متمرکز پر قدرت داده اند. یکی از چالشهای موجود در بخش امنیت عمومی بحث حاشیه نشینی می باشد. حاشیه نشینی

¹ Marginalization

² Security

در کلانشهرها چالشی بزرگ برای نظام تصمیم‌گیری کشورها می‌باشد که این امر (حاشیه‌نشینی) حاصل نیاز به تأمین مسکن جوامع بشری بالاخص مهاجرت روستائیان و مردم شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ بدلیل صنعتی شدن این شهرها است. ازینرو، می‌بینیم که حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی، مساله‌ای گذار و با ابعاد محدود نیست (صرافی، ۱۳۸۱: ۵) در این تحقیق دو سوال اساسی مدنظر قرار می‌گیرد که ۱. چه ارتباطی بین حاشیه‌نشینی و امنیت عمومی وجود دارد؟ و ۲. تاثیرات حاشیه‌نشینی بر امنیت عمومی چیست؟

فرضیات تحقیق بر این موارد استوار است که رشد ناموزون و غیر استاندارد مناطق مسکونی در حاشیه کلانشهرها اخلاص در امنیت عمومی را سبب گردیده است. مدیران سیاسی شهر برای اینکه به رشد و توسعه در همه ابعاد بیانديشند بایستی از ثبات و امنیت عمومی غفلت نکنند. لذا می‌بایست که در این زمینه با رویکردی متناسب با وضعیت موجود جامعه و در نظر گرفتن دانش‌های جدید در همه ابعاد به مقوله امنیت عمومی نگاهی ویژه داشته باشیم. جوامع بشری به اقتضای نظام ارزشی و فرهنگی، ساختار تاریخی، سیاسی و اجتماعی خود در هر منطقه دارای قابلیت‌ها، ظرفیتها، استعدادها و بسترهای مناسبی جهت تقویت و تعمیق همکاری با دستگاههای متولی حفظ و نگهداری امنیت عمومی می‌باشند که متاسفانه این منابع بومی و مناسب بدلیل فقدان نگرش درست و عالمانه تبیین نشده و عملاً بی‌استفاده و یا کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. مع الوصف ما می‌توانیم با رویکردی جدید از منابع بومی در جهت توسعه و تأمین امنیت عمومی بهره‌برداری نمائیم.

۲- اهمیت و ضرورت موضوع:

با توجه به وضعیت کنونی جامعه شهری ایران، پدیده حاشیه‌نشینی یا اسکان غیر رسمی یکی از مهمترین معضلات اجتماعی شهری است. در تبیین کلی این پدیده اجتماعی - اقتصادی که ناشی از علل ساختاری مانند نابرابری در فرصت‌ها، توزیع منابع، ثروت و درآمد جامعه می‌باشد باید فرآیند رشد و توسعه و عدم تعادل منطقه‌ای، شهری و روستایی هم مورد توجه قرار گیرد. بررسی ویژگی‌های جوامع اسکان غیر رسمی و حاشیه‌ای نشان می‌دهد که این جوامع یا از مهاجرین تهیدست روستایی و یا اقشار محروم شهری می‌باشند و علی‌رغم این که محلات حاشیه‌نشین هر یک ویژگی‌های منحصر به فردی دارند ولی در برخی خصوصیات از جمله فقر و آسیب‌های اجتماعی گسترده مشابه می‌باشند. در بررسی وضعیت انحرافات اجتماعی مشاهده شده است که میزان آسیب‌ها در مناطق حاشیه‌ای بیش از سایر مناطق شهری است، با این حال همه مناطق حاشیه‌ای دارای سهم یکسانی از تخصیص جرایم نیستند، بلکه محله‌هایی کانون‌هایی از فساد، تبهکاری و انحرافات اجتماعی هستند که امنیت عمومی را به دنبال این آسیب‌ها خدشه دار شده کرده‌اند. لذا در صورت بی‌اهمیتی به موضوع مورد مطالعه، جامعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز

دچار بحران خواهد شد. همچنین پیش نیاز توسعه در حوزه های مختلف انسانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مقوله امنیت عمومی است که نیاز هست به صورت همه جانبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۳- مبانی نظری تحقیق:

۳-۱- حاشیه نشینی

حاشیه نشینی هم در اهداف هزاره و هم در اسکان بشر سازمان ملل بعنوان یکی از چالش های توسعه جهان معرفی شده است (UN, 183, 2000) حاشیه نشینی را به معنای عام شامل تمام کسانی می داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند. تمرکز شدید شبکه ماکروسفال شهری، سبب تشدید مشکلات شهری و از جمله سرپناه و معضل مسکن می گردد و از آنجا که نعم مادی و خدادادی بر اساس قشربندی و سلسله مراتب اجتماعی توزیع می شود و گروهی با نداشتن سرپناه روبرو می شوند که این امر منجر به حاشیه نشینی در شهرها می گردد (پیران، ۱۳۶۶: ۴۶) در کشورهای در حال توسعه، به محلات فقیرنشین اطلاق می شود که اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده و ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته اند جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شده و از امکانات و خدمات شهری استفاده نمایند. پدیده حاشیه نشینی را برای اولین بار در جهان غرب روبروت اسی. پارک آمریکایی از سردمداران جامعه شناسی شیکاگو، شاگرد جرج زیمل و نیز ایورت استونگویست، شاگرد پارک تحت عنوان مهاجرت انسانی و منازل حاشیه نشین مورد مطالعه قرار دادند (ربانی، ۱۳۸۱: ۷۶) به طور کلی مناطق حاشیه نشین، نه امکانات شهری و نه شکل و شمایل روستاها را دارا هستند. یکی از مسایل مهمی که حاشیه نشینی برای شهرهای بزرگ فراهم آورده است تهدید امنیت انسانهاست. به طور کلی ساختار مناطق حاشیه ای به گونه ای است که گروه ها و باندهای مافیایی با حضور در آنجا میتوانند به فعالیت نابهنجار خود پردازند. در تعاریف دیگر نیز اینگونه آمده است که حاشیه نشینی را می توان با توجه به وضعیت افراد حاشیه نشین و سبک زندگی آنان تبیین کرد. افراد حاشیه نشین کسانی هستند که در محدوده اقتصاد شهر زندگی می کنند و جذب نظام اجتماعی - اقتصادی شهر نشده اند. علت جذب نشدن آنها یکی مشکل مسکن (ناشی از درآمد پایین) و دیگری تفاوت رفتار آنان با رفتار های متعارف شهر و نیز با افرادی است که با همان سطح درآمد در شهر زندگی می کنند (بهرامی، ۱۳۸۷: ۶۴)

۲-۳- امنیت فردی و اجتماعی

امنیت فردی در جامعه هنگامی تامین می شود که اولاً حقوق پایه ای و حیاتی فرد به رسمیت شناخته شود؛ و مبنای این رسمیت منشور ملی و قانون اساسی است. ثانیاً دفاع از این حقوق قانونی به صورت آشکار، نهادینه شده و ساختاری مورد پذیرش قرار گیرد و تحت الشعاع علایق و سلايق شخصی، حزبی و فکری قرار نگیرد. ثالثاً نهادها و نیروهای حراست کننده از حقوق اساسی افراد باید پاسخگو باشند؛ یعنی برای مدت معلوم و فقط برای مقطع زمانی مشخصی، نمایندگی مردم را داشته باشند و برای اعمال و تصمیمات خود پاسخگو باشند. رابعاً تدارک حقوق فردی نباید صرفاً حالت درمانی و پسینی داشته باشد بلکه نهادهای مسئول باید منابع تدارکاتی و اقدامات پیشگیرانه را در اولویت قرار دهند و به برخورد انفعالی با ناامنی های فردی اکتفاء نکنند (کارگر، ۱۳۸۵: ۴۵)

نکته قابل بحث در امنیت فردی حفظ معیشت، حیات و حرمت آدمی در مقام انسان است نه در مقام عضو یک حزب یا دارنده فلان مشخصه ویژه دینی، قومی، نژادی و سیاسی و غیره. همه اینای بشر - فارغ از هرگونه تعلق و تنوع - موضوع امنیت فردی هستند. از این رو در مفهوم امنیت فردی، مرجعیت امنیت، فرد انسانی است که در حیات خود از یکسو در معرض انواع تهدیدات و خشونت های فردی، گروهی و سازمانی و دولتی قرار دارد و از سوی دیگر واجد استعدادهایی است که در صورت تمهیدات نهادی و قانونی می تواند آن ها را عینیت بخشیده، منشاء آثار خیر واقع گردد (نصری، ۱۳۸۵: ۱۷) امنیت فردی به معنایی گفته می شود، که به ربط وثیقی با امنیت اجتماعی (جامعه ای) می پردازد؛ چرا که این افراد هستند که اعضاء و اجزای گروه های جامعه را تشکیل می دهند. گروه اجتماعی در عین اینکه شخصیت و دیدگاهی را به اعضای خود ارزانی می دارد، از دیدگاه و شخصیت اعضای خود نیز متأثر می شود. با این وصف، افراد قصد دارند بخشی از نیازهای مادی و فرامادی خود را از طریق گروه اجتماعی - که از موضوعات اساسی امنیت اجتماعی است تأمین نمایند بنابراین فرد انسانی، هم در آنجا که موضوع مخاطرات عمدی و قهری است و هم در آنجا که عضو یک گروه می شود، در شمول مبحث امنیت اجتماعی (جامعه ای) قرار می گیرد (دهقانی، ۱۳۹۴: ۸۶)

۳-۳- ویژگیهای حاشیه نشینی

به دنبال پدیدار شدن اجتماعات حاشیه نشینی مسائل و مشکلاتی دامنگیر شهرها شد به عنوان مثال: تاثیرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی حاشیه نشینی بر سیستم اقتصادی حاکم بر جامعه انکارنشدنی است. آنها روابط اجتماعی و محیط زندگی شهری و همچنین بر فرهنگی که با آن در تماس هستند را تحت تاثیر قرار میدهند. زیرا اغلب مهاجران روستایی هستند (سماواتی: ۱۳۷۲، ۱۶۷) در ایران اغلب از حاشیه نشینان به عنوان

یک معضل اجتماعی نام برده می شود؛ در جامعه شهری ما از آنان به عنوان افرادی بی فرهنگ نام برده می شود که فرهنگ ویژه خود را دارند به همین دلیل مردم شهری تمایل به ایجاد ارتباط و تماس با آنان نشان نمی دهند و خود آنان نیز به ندرت می توانند در بین اجتماعات شهری جایی والا بیابند و یا در سازمانهای دولتی راه پیدا کنند که در اینجا می توان گفت این حاشیه زیستن را جامعه شهری هم به آنان تحمیل می کند که به تبع آن این افراد با احساس حقارت خود را پایین تر از طبقه مرفه شهری بحساب آورده و مشاغل پست را قبول میکنند، این افراد به علت دستمزد پایین که خود ناشی از عرضه فراوان نیروی کار غیر ماهر است، دارای درآمد ناچیز هستند به همین دلایل قادر به تهیه مسکن مناسب نیستند و بدین ترتیب حاشیه نشینی همچنان ادامه می یابد استفاده از آلونک ها، کپرها، زاغه ها و وجود افراد زیاد و تراکم بسیار در فضاهای محدود از نظر تربیتی روی فرزندان آنان تاثیر می گذارد. از نتایج دیگر حاشیه نشینی عکس العمل سریع آنها نسبت به ناآرامی های سیاسی است آنان همواره خواهان دولتی هستند که به وضع آنان رسیدگی کند و طرفداری از کسانی می کند که وعده های مختلف به آنان میدهد (کارگر: ۱۳۸۳، ۳۵)



شکل ۱: ویژگی های حاشیه نشینی. ترسیم از نگارندگان

مدل فوق بیانگر ویژگی های حاشیه نشینی است. ویژگی های حاشیه نشینی و تبعات آن به صورت سلسه وار و زنجیره ای همدیگر را تحت تاثیر قرار می دهند. مناطق حاشیه نشین دارای وضعیت نامطلوب و کیفیت پایین محیط زندگی از نظر تأسیسات و تجهیزات بهداشتی و خدماتی هستند. خانه ها فاقد سیستم

فاضلاب بوده و پایین بودن سطح فرهنگ و سواد، امکان استفاده از روشهای صحیح بهداشتی را به آنان نمی دهد. به همین دلیل با مریضی و مرگ و میر بالای کودکانشان نیز روبرو هستند (Weiner, 2002, 27) حاشیه نشینی از ویژگی های جدائی ناپذیر رشد شهری است که در سالیان اخیر هم به دلیل افزایش مطالبات اجتماعی در این مناطق و با توجه به تجربه چند دهه گذشته بیشتر مورد توجه محققان و کارشناسان واقع شده است. تجربه نشان می دهد که چاره ای جز ادغام واقعی این نواحی در درون نظام های شهری نداریم، مدل های بهسازی مداخله در حاشیه باید بر بکارگیری ملاحظات مبتنی بر نیازهای اساسی اجتماعی و اقتصادی برای جذب حاشیه ها در سبک زندگی شهری تاکید نمایند (Moitra, 1991: 255)

۴- یافته های تحقیق:

۴-۱- حاشیه نشینی و تهدید امنیت اجتماعی

یکی از پیامدهای نامطلوب حاشیه نشینی، پایین آمدن ضریب امنیت اجتماعی در شهرها است. پایین بودن سطح سواد مهاجرین، فقدان مشاغل تخصصی در مقابل مشاغل همچون دستفروشی، کوپن فروشی، فروش مواد مخدر، فروش مشروبات الکلی، دزدی، جنایت، فحشا و گسترش بیماری های اپیدمی مانند ایدز و ... همه این موارد به نوعی در فضای حاشیه نشین وجود دارد. (Park, 2002, 98) این امر به ظاهر مشکلات مناطق حاشیه شهر پنداشته می شود اما به نوعی این افراد بیکار که دست غالب آنها آلوده به رفتار شکنی و هنجار شکنی هستند، کل فضای شهری را ناامن کرده و از جنبه اقتصادی و اجتماعی موجب هنجارشکنی و با اعمال حرکات و رفتارهای نامطلوب در سطح گسترده نه تنها امنیت اجتماعی مردم را تهدید می کنند و چه بسا امنیت ملی و منطقه ای را هم زیر سوال می برند. بی شک حاشیه نشینی رابطه ای نزدیک و ناگسستنی با بزهکاری و ارتکاب جرم دارد در واقع باید گفت حاشیه شهرها مکانهایی مستعد برای بروز و ظهور انواع جرائم و بزه ها است. رشد قاچاق مواد مخدر، گسترش شبکه ها و باندهای مافیایی توزیع مواد مخدر که از جمله جرائم مشهود در این مناطق است، بیش از سایر مناطق شهری است که علت این امر نیز کنترل ضعیف و یا عدم نظارت صحیح از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی است. نسبت ارتکاب اعمال مجرمانه و خشونت آمیز نیز در حاشیه شهرها بیشتر از سایر مناطق شهری است. کمبود پاسگاههای انتظامی به نسبت کثرت جمعیت و فقدان نظارت مناسب و کارآمد در این حاشیه ها موجبات انواع ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی را فراهم می آورد ضمن آنکه میزان جنایت ها، دزدی ها، روسپی گری ها، قاچاق مواد مخدر، نافرمانی از قوانین شهری از آمار بالاتری برخوردار است.

۲-۴- عوامل توسعه نامنی در نواحی حاشیه نشین

عوامل متعددی باعث توسعه نامنی در نواحی حاشیه نشین شهرها می گردد که از عوامل موثر در بروز این معضل، می توان از مواردی بشرح ذیل نامبرد:

✓ عدم پوشش مناسب نیروهای انتظامی و امنیتی و به تبع آن پنهان بودن نسبی این مناطق از دید قانون و ماموران مربوطه.

✓ تنوع فرهنگی و قومی، پایین بودن سطح فرهنگ ساکنین، رهایی از قید و بندهای اجتماعی و کنترل اجتماعی ضعیف نسبت به دیگر نقاط شهرها، وجود بیکاری و پایین بودن سطح درآمد افراد موصوف.

✓ حاشیه نشینی در تمام شئون زندگی اجتماعی افراد بومی و مهاجرین تاثیر دارد و تغییراتی را در نحوه توزیع جمعیتی بوجود آورده و به دلیل ارتباط گروههای بومی با گروههای مهاجر که از تنوع بیشتری برخوردار هستند موجب بروز آسیبهای اجتماعی و افزایش زمینه برای قانون شکنی و ایجاد جرائم و بزهکاریهای مختلف خواهد شد و با عنایت باینکه هرگروه در صدد حفظ آداب و رسوم و شیوه های فرهنگی خویش می باشد تمایزات فرهنگی افزایش یافته و هر قدر که این تمایزات به تضادهای فرهنگی و رقابت بدل گردد احتمال وقوع جرائم و آسیبهای اجتماعی افزایش می یابد.

ویژگیهای خاص مناطق حاشیه نشینی شهرها همچون تنوع فرهنگی - قومی - ملیتی - تراکم جمعیت - فقر و بیکاری و بی هویتی شرایط مناسبی برای پیدایش و ترویج بزهکاریها، ایجاد نموده است. مطالعه حاشیه نشینی از نظر خصوصیات روحی و روانی، آسیبهای اجتماعی، اعتیاد، سرقت و ... بمنظور تامین امنیت حاشیه شهر لازم و ضروری بنظر میرسد (Costello, 1987, 431)

۴-۳- حاشیه نشینی، جرم و نامنی

دورکیم توسعه شهرنشینی، تحت افزایش جمعیت، مهاجرت و حاشیه نشینی را از جمله عوامل موثر بر خارج شدن جوانان از نظارت بزرگترها می داند که طی آن از اهمیت و نفوذ سالمندان کاسته شده و بر سرعت تغییرات و تحولات افزوده است و علت همه رفتارهای غیر عادی را در محیط اجتماعی جستجو می کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد. گرچه امروزه حاشیه ها را جزئی از شهرها می دانیم که بافتی مشترک با شهرها پیدا کرده اند ولی

حاشیه‌ها اغلب دارای فرهنگ ناباوری هستند و همچنان به مناطق جرم خیز و مشکل‌زا تبدیل می‌شوند. مناطقی که به گفته برخی جامعه‌شناسان، فرهنگ فقر منطقه‌ای مشخصه اصلی این مناطق است و جرم و جنایات که زاینده این فرهنگ است که نه تنها تهدیدی علیه ساکنین خود به شمار می‌رود بلکه نگرانی ساکنین شهرها را نیز برانگیخته است. فقدان نظارت امنیتی، وجود تعداد زیادی از افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق وجود مخروبه‌ها و فضاهای خلوت و مخفی، همه باعث می‌شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و این مناطق را بالقوه جرم خیز کنند و تهدیدکننده ثبات و امنیت دیگران نیز باشند (مسعودی فر: ۱۳۸۷، ۲۳) جوانان حاشیه‌نشین با فرهنگ ویژه روزها عازم مراکز شهر می‌شوند تا کاری پیدا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی عمدتاً به دست فروشی سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و امثال آن می‌پردازند و به این ترتیب به صورت سربار در فعالیت‌های شهری در می‌آیند. این مشاغل غیر تخصصی و زاید خود به عنوان یک عامل سوق دهنده به سوی جرم عمل می‌کنند، به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشتند. با توجه به رشد حاشیه‌نشینی و کمرنگ شدن مرز حد فاصل میان شهرها حاشیه‌ها از یک سو و افزایش قتل و جنایات در این مناطق از سوی دیگر این مکانها را به مکانهایی با ضریب ناامنی بسیار بالا تبدیل کرده است که هر روز شاهد درگیری‌ها، نزاع‌ها و ناهنجاریهای اجتماعی در این مناطق می‌باشیم و علاوه بر اشاعه و افزایش جرایم، می‌تواند کودکان، نوجوانان و جوانان این مناطق را هم درگیر کند (شکویی: ۱۳۸۰، ۵۱)

احساس ناامنی در جامعه، تنها به دلیل جرایم خشونت‌آمیز نیست، بلکه برخی ناهنجاریها همچون اعتیاد، ولگردی، تکدی‌گری و سرقت، صرفنظر از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی‌اند حتی زمینه رواج گسترده جرایم را فراهم می‌آورند. به همین دلیل، حاشیه‌نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه است. جمعیت جوان، زیاد و متراکم، فقر، تزلزل شغلی، کم سواد، بی سواد، ترک تحصیل، شرارت، نزاع و درگیریها، خشونت‌های مستمر، کمبود امکانات تفریحی، ضعف بهداشت، اعتیاد، فحشا، معاملات غیرقانونی، در حاشیه بودن، آشفتگی و افسردگی و... ممکن است حاشیه‌نشینان را به کجروی‌هایی سوق دهد و منطقه حاشیه‌نشین را به لحاظ امنیتی کاملاً فعال سازد. حاشیه‌نشینی به دو نظام فرهنگی (قبل از مهاجرت «روستایی» و بعد از مهاجرت «شهری») وابسته است که در عین حال به هیچ یک از این دو کاملاً متعلق و متمایل نیست. در حاشیه بودن، گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس‌رهایی نسبی از کنترل اجتماعی شهری، نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود

می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود (زاهدانی: ۱۳۶۹، ۲۹) در واقع حاشیه‌نشینی نوعی سکونت است که در آن افراد در مناطق مجاور شهر یا کلان‌شهری اقامت دارند و از امکانات و خدماتی به مراتب کمتر و ناچیزتر از شهر مرکزی بهره‌مند هستند و از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با آنان تفاوت‌های آشکاری دارند؛ بنابراین تضمین امنیت در حاشیه‌شهرها یا شهرهای حاشیه‌ای کلان‌شهرها دغدغه و عاملی مهم در سلامت اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی شهرها و به تبع آن کشور است (Clinard, 2001, 305) توسعه و پیشرفت حاشیه‌شهرها و همسان‌سازی معیشتی و رفاهی آنان با کلان‌شهرها از جمله اقداماتی است که می‌تواند موجب کاهش جرم و جنایت شود و امنیت آورد. بدیهی است بروز و گسترش جرم در شهرها علاوه بر ایجاد ناامنی، هرج و مرج و آشفتگی در زندگی شهروندان، سبب صرف هزینه‌های کلان، نیرو و زمان برای کشف جرایم، دستگیری مجرمین، رسیدگی‌های قضایی و... می‌شود؛ از این رو دانستن عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی از جمله عوامل اقتصادی و اجتماعی در ریشه‌یابی این معضل پرخطر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

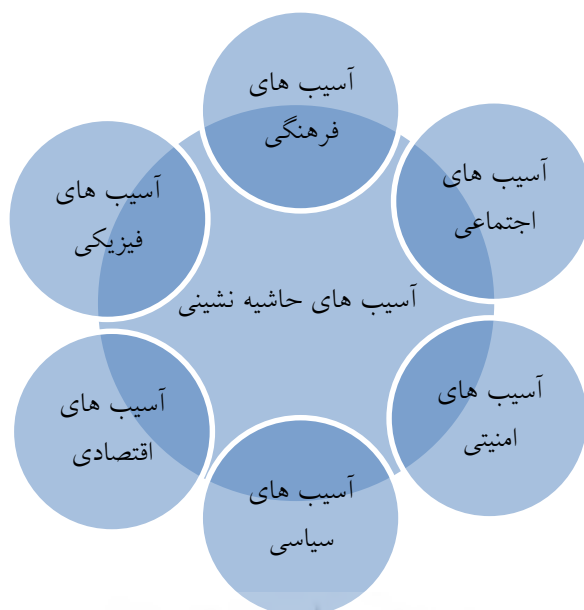
۵- تجزیه و تحلیل:

۵-۱- علل گرایش به رفتارهای ضداجتماعی و ناسازگاری اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین:

می‌توان اظهار داشت که گرایش به رفتارهای ضداجتماعی در افراد و یا حداقل اینکه پتانسیل‌های لازم در این زمینه، در ساکنین این مناطق وجود دارد. منظور از گرایش به رفتارهای ضداجتماعی نوعی آمادگی ذهنی و روانی در عدم پیروی از قواعد و مقررات اجتماعی و ابراز احساس دشمنی نسبت به محیط پیرامون است. نتایج تحقیقات انجام شده بیانگر آنست که گرایش به رفتارهای ضداجتماعی در حال حاضر متأثر از عواملی چون، وضعیت آنومیک فردی، سطح تحصیلات، رضایت سیاسی، اثربخشی مسئولین در حل مسایل افراد و... است. تراکم بالای جمعیت، سطح پایین تحصیلات و نوع غالب کسب درآمد در حاشیه‌نشین‌ها می‌تواند عامل تشویق‌کننده‌ای برای ایجاد اختلال اجتماعی باشند. سابقه شهرک‌ها، مجتمع‌های مسکونی و مهاجرین به این اماکن، حکایت از آن دارد که این مکان‌ها فاقد یک هویت اجتماعی - فرهنگی مستقل هستند، در نتیجه در این مکان‌ها حامیانی برای حفظ ارزش‌ها و هنجارها وجود ندارد و از هر نقطه‌ای به این نقاط مهاجرت صورت می‌گیرد و کمتر با مقاومت اجتماعی و فرهنگی روبرو می‌شوند. حاشیه‌نشینان که قربانی طرد اجتماعی هستند؛ در مقابل تمام اصول و هنجارهای اجتماعی غالب موضع‌گیری می‌کنند و بی‌سامانی و آشفتگی ویژگی اصلی زندگی آنان می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۲۹)

تعارض اجتماعی و طبقاتی حاشیه‌نشینان و بالاخص فرزندان جوان این طبقه پایین شهری با طبقات متوسط و بالای شهری در شدیدترین حالت خود موجب شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های جوانان منحرف و بزهکار می‌شود. این خرده فرهنگ‌های بزهکارانه معمولاً مردانه هستند و به قتل و غارت، رفتارهای وندالیستی، اعتیاد، سرقت، خشونت‌های خیابانی، همکاری با گروه‌های تبهکاری بزرگسالان، فحشاء و قانون شکنی می‌پردازند و در مواقعی نیز در راستای اهدافشان از زنان جوان طبقه خود استفاده می‌کنند. در اغلب مواقع برخورد پلیس و جامعه با این گروه‌ها بگونه‌ای است که به نهادینه شدن و تعمیق این تعارض‌های اجتماعی منجر می‌شود و این در حالی است که مطالعات جامعه‌شناختی و چند رشته‌ای جدید راه حل پایداری برای این مساله و اعمال سیاست‌های جذب اجتماعی دانسته‌اند. قانون‌گریزی و قانون شکنی نیز به عنوان یک ارزش در نزد جوانان خانواده‌های حاشیه نشین شهری شناخته شده و با میزان توفیقات اجتماعی افراد گره می‌خورد. علت این امر نیز مشخصاً در ناتوانی اقتصادی و ضعف پایگاه اجتماعی حاشیه نشینان، قابل تحلیل است. به گونه‌ای که راه رشد و ارتقای اجتماعی و اقتصادی خود از طریق معمول و قانونی را غیر ممکن می‌داند. عدم امکانات آموزشی و امکانات رفاهی و اقتصادی موجب می‌شود که جوانان حاشیه‌ای از سطح مهارت و دانش بسیار نازلی برخوردار باشند و در دستیابی به یک شغل آبرومند و لو با درآمد اندک عاجز باشند. وجود فرهنگ فقر و فقر منطقه‌ای باعث می‌شود انواع کجروی‌ها و کژرفتاری‌ها و نهایتاً کاهش امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه نشین بوجود آید که بدنبال آن نیز محیطی کاملاً ناامن که ارتکاب جرایمی همچون قتل، سرقت، اعتیاد، تولید انواع مشروبات الکلی و از نتایج آن است (پارسا پژوه: ۱۳۸۱، ۱۶۲) از نگاهی دیگر می‌توان انواع آسیب‌هایی حاشیه نشینی را با مدل زیر توضیح داد که در ادامه به توضیح آن پرداخته ایم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲: آسیب های حاشیه نشینی. ترسیم از نگارندگان

آسیب های حاشیه نشینی می تواند از جنبه های متعددی بررسی گردد. اثرات حاشیه نشینی مسئله ای است که در بطن جامعه نفوذ می کند و بی توجهی و عدم مدیریت صحیح آن تبعات جبران ناپذیری می تواند داشته باشد به عنوان مثال در زمینه آسیبهای اجتماعی می توان از رواج بزهکاری، اعتیاد به مواد مخدر و فروش آن، خرید و فروش مشروبات الکلی، نزاع و ... نام برد. در زمینه آسیبهای فرهنگی: افزایش روند بی سوادی و بی علاقه گی به آموزه های مذهبی و فرهنگی. در زمینه آسیب های فیزیکی: بافت مسکونی درهم و بی ضابطه، فرسودگی بناها، نمای نامطلوب ابنیه و سیمای شهر و تشدید ترافیک در محله ها. در زمینه آسیب های اقتصادی: رواج دستفروشی و دوره گردی، افزایش بیکاران دائمی و فصلی و افزایش تکدیگری.

در زمینه آسیب های سیاسی و امنیتی هم برای مثال می توان از عکس العمل سریع حاشیه نشینان به ناآرامیهای سیاسی و گرایش زیاد این افراد به شرکت در تظاهرات، راهپیمایی ها و اعتراضات خیابانی در قالب به ظاهر استیفای حقوق شهروندی خویش نام برد. بحث آسیبهای سیاسی بسیار گسترده است و می تواند اثرات سوء و مهمی بر امنیت عمومی داشته باشد و بعضاً از اهمیت و شدت بیشتری در بروز ناامنی برخوردار خواهد بود. امروزه با توجه به گسترش روز افزون شهرنشینی و افزایش مهاجرت مردم از روستاها به شهرها مخصوصاً در کلان شهرها و شهرهای بزرگ و کمبود امکانات مالی و عدم جذب آنها در متن اصلی شهرها، شاهد شکل گیری

آنها در حاشیه شهرها هستیم و با توجه به مشکلات بسیاری که این مکانها از تمام لحاظ منجمله ارائه خدمات و مدیریت شهری و از لحاظ امنیتی و بزهکاری در شهر به دنبال دارد لزوم توجه جدی به آنها و مدیریت مناسب آنها از سوی مدیران شهری و مسئولان ذیر ربط احساس می شود. حاشیه‌نشینان در بیرون از بطن زندگی اقتصادی، اجتماعی شهرها به سر می‌برند، و لیکن در نظام اجتماعی آنها ادغام شده‌اند و از این رو به عنوان شهروندان رسمی در جامعه پذیرفته نمی‌شوند. این جدایی از جامعه شهری همراه با ویژگی‌هایی همچون بافت مسکن، مهارت های شغلی و خصلت روابط اجتماعی آنها را از شهروندان متمایز می‌سازد. تکیه بر نوع روابط اجتماعی و متمایز بودن آنها از این نظر، دارای اهمیت فراوان است زیرا بسته بودن روابط اجتماعی و شیوه کنش متقابل مردم حاشیه‌نشین معمولاً آنها را از اصول شهری متمایز و در برابر فشارها آسیب‌پذیر می‌سازد. مضافاً اینکه کم سواد و مجهز نبودن به مهاجرت‌های تخصصی و ناتوانی از حضور و پیوستن به روابط اقتصادی شهر و در نتیجه بیکاری‌های مداوم، زمینه‌های انحراف و آسیب را برای آنان بیش از شهروندان رسمی فراهم می‌کند.

۶- نتیجه گیری:

حاشیه نشینی یک معضل کلان شهری می باشد که نشان دهنده ضعف در ساختار اجتماعی و اقتصادی است، این مناطق به دلیل فقدان نظارت امنیتی کافی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد و وضعیت نامناسب جغرافیایی بعضی از مناطق، مستعد ارتکاب جرم هستند. علاوه بر این موارد احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست بلکه نابهنجاری ها و رفتارهای اخلاص گران های چون اعتیاد، ولگردی، تکدی گری و سرقت، گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی اند به نوبه خود قطعاً زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می نمایند. اینکه جرایم در مناطق حاشیه ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می افتد مورد پذیرش همه است و تا زمانی که عوامل زمینه ساز جرم و بزهکاری در این مکانها وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. برای جلوگیری از تاثیرات سوء این پدیده علاوه بر تلاش در جهت اصلاح این ساختارها باید راهکارهایی جهت جلوگیری از گسترش آن نمود. همچنین با توجه به اثرات مخرب حاشیه نشینی بر شهر، کاهش مشکلات حاشیه نشینان خصوصاً در زمینه های اشتغال، فرهنگ و بهداشت باید نقش پررنگی در مدیریت کلان شهری داشته باشد. در کل باید گفت که آنچه حاشیه نشینی را به فاجعه تبدیل می کند محدودیتهای طبیعی نیست بلکه فقدان برنامه ریزی منطقی انسان در برخورد با محیط است که آن را به یک فاجعه ملی یا منطقه ای تبدیل میکند. با توجه به وجود حاشیه نشینی وسیع در کشور و شهرهای بزرگ لزوم بهبود شرایط زندگی در آن مکانها از لحاظ محیطی و اجتماعی با انواع راهکارهای آموزشی

و مدیریتی و ارائه خدمات در کنار این مسائل باید به راهکارهایی برای جلوگیری از شکل گیری این مکانها نیز چاره اندیشی شود که از دلایل اصلی شکل گیری آنها مهاجرت های روستایی می باشد. همچنین باید به تدابیر و راهکارهای صحیح در خصوص کنترل عوامل مهاجر فرستی از روستاها و شهرهای کوچک و مناطق محروم اندیشید و به بهبود شاخصهای توسعه فرهنگی و اقتصادی و سلامت محله ای و... در این مناطق برای جلوگیری از مهاجرت و گسترش حاشیه نشینی و بروز عواقب منفی ناشی از آنها پرداخت. با در نظر گرفتن آنچه گفته شد، حاشیه نشینی یکی از عوامل مؤثر در بروز ناامنی اجتماعی است که به دلیل ماهیت خاص خود با وارد آوردن محرک های تشدیدکننده ناامنی، موجب وقوع بی نظمی و برهم خوردن امنیت عمومی می شود. در نتیجه می توان گفت امنیت و حاشیه نشینی رابطه ای معکوس دارند و با افزایش حاشیه نشینی امنیت اجتماعی بیشتر تهدید می شود. چنانچه حاشیه نشینی در اطراف شهرها افزایش یابد، میزان آسیب پذیری امنیتی در سطح شهر استان تهران نیز افزایش خواهد یافت.

۷- پیشنهادات و راهکارها:

بخش مهمی از ارتباط جامعه با متولیان حفظ امنیت عمومی در گرو افزایش آگاهیهای شهروندی و ایجاد یک فرهنگ پویا و ملی در جهت اعتماد جامعه به مسئولین مربوط است. به همین خاطر تأکید بر مسائلی چون آموزش، تبلیغات مثبت، اعتماد سازی که مستلزم زمان می باشد امر ضروری و واجب است. همچنانکه در مواردی از قبیل توسعه اقتصادی و سیاسی نیاز به مشارکت مردم اصل بسیار مهمی است. در حوزه امنیت عمومی هم دولتمردان بایستی به این امر توجه وافر داشته و نگرش خود را بر این موضوع معطوف دارند که از حداکثر ظرفیت امنیتی مردم و نهادهای عمومی کشور استفاده نموده تا ضمن کاهش هزینه های امنیتی، مردم با احساس مسئولیت بیشتری در این امر مشارکت نموده و بتدریج بعنوان یک فرهنگ در جامعه نهادینه شود. ایجاد زمینه مساعد برای برقراری ارتباط و تعامل فعال و پایدار بین دستگاههای امنیت عمومی و جامعه مستلزم برقراری ارتباط اولیه بین افراد علمی و پژوهشی هر دو قشر می باشد تا ضمن آگاهی از امکانات و تواناییهای موجود عواملی را که باعث افزایش و یا کاهش امنیت عمومی در جامعه می گردد احصاء و با استفاده از ابزارهای مختلف علمی کاربردی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فعالیت و باعث ارتقاء امنیت عمومی گردد.

بنابراین از نظر نگارندگان مناسبترین الگوی مشارکت مردم در مناطق حاشیه نشینی توانمندسازی ساکنان است. چنین الگویی فرایند برنامه ریزی و تصمیم گیری از پایین را فراهم می سازد که صرفاً به رویکرد محلی و منطقه ای تأکید دارد و دیگر برنامه ها از بالا به ساکنین این منطقه دیکته نمی شود. این الگو معتقد است انسانها بالقوه

دارای توانمندی هستند، هر چند در مناطق حاشیه‌ای به سر می‌برند. بنابراین حساس‌سازی آنها نسبت به مسائل عام محلی و امکان ارتقاء کیفیت زندگی جمعی و سپس آگاه‌سازی آنها از برنامه رشد و توسعه محلی هم حق ساکنان است و هم بر اعتماد به نفس آنها برای حضور فعال و مشترک واقعی می‌افزاید. زیرا تا مردم یک منطقه ضرورت مساله‌ای را به درستی احساس و درک نکنند بصورت عملی در فعالیت‌های مربوط به آن شرکت و دخالتی نخواهند کرد.

لازم به ذکر است که مشارکت اجتماعی گامی بسیار مهم در جهت امنیت اجتماعی مناطق حاشیه نشین بشمار می‌رود چرا که از این طریق بنوعی اولاً نظارت اجتماعی منسجمی پیاده می‌شود و ثانیاً در جهت پیاده‌سازی برنامه‌ها و سیاستگذاری در زمینه ایجاد امنیت پایدار گام‌های اصولی برداشته می‌شود لذا برای رسیدن به جامعه امن و شهر امن باید به موارد زیر توجه شود:

۱- جلوگیری و یا کنترل افزایش بی رویه و شتابنده جمعیت کلان شهرها؛

۲- ایجاد زمینه‌های لازم جهت ادامه تحصیل در مقاطع بالا؛

۳- توجه ویژه به قشر آسیب پذیر و محروم جامعه؛

۴- افزایش آگاهی خانواده‌ها از پیامدهای طلاق و ترغیب در جهت کاهش طلاق؛

۵- حمایت ویژه از فرزندان خانواده‌های مطلقه و کمک‌های مادی به آنها؛

منابع و ماخذ:

۱- ابراهیم زاده، عیسی و همکاران (۱۳۸۳)؛ حاشیه نشینی؛ ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای

تعدیل آن مورد شناسی؛ کریم آباد زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه، نوبت بهار و تابستان

۲- بهرامی، رحمت الله (۱۳۸۷)؛ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه نشینی و تأثیر آن بر امنیت

اجتماعی مطالعه موردی شهر سنندج، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۲۸، شماره ۱۲۸

۳- پارسا پزوه، سعید (۱۳۸۱)؛ نگرشی از درون به پدیده حاشیه نشینی، مطالعه موردی اسلام آباد

کرج، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶، انتشارات علوم بهزیستی و توان بخشی

۴- پیران، پرویز (۱۳۶۶)؛ شهرنشینی شتابان و ناهمگون، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره پانزدهم

۵- دهقانی، زهره (۱۳۹۴)؛ بررسی تاثیر حاشیه نشینی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر

جهرم، فصلنامه حقوق بین الملل، سال پنجم، شماره ۲۰.

۶- ربانی، رسول (۱۳۸۱)؛ حاشیه نشینی و مشارکت، فرهنگ اصفهان، شماره ۳۴.

- ۷- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹): حاشیه نشینی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز
- ۸- سماواتی، محمد اسماعیل (۱۳۷۲): دسته بندی معضلات اجتماعی در استان همدان، استانداری همدان، شورای اجتماعی استان همدان
- ۹- شکویی، حسین (۱۳۸۰): دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم
- ۱۰- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۷۳): جامعه شناسی شهری، جزوه چاپی و دست نویس، تهران، دانشگاه تهران
- ۱۱- صرافی، مظفر (۱۳۸۱): به سوی نظریه ای برای سازماندهی اسکان غیر رسمی، فصلنامه ی هفت شهر، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره ۸.
- ۱۲- کارگر، بهمن (۱۳۸۳): امنیت شهری، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران
- ۱۳- کارگر، بهمن (۱۳۸۵): امنیت شهری - ارزیابی کارایی خدمات انتظامی و امنیتی در نظام مدیریت شهری، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران (چاپ دوم)
- ۱۴- مسعودی فر، رضا (۱۳۸۶) تأثیر حاشیه نشینی در وقوع جرم. قابل دسترس در <http://huqouq.com/article262.html>:
- ۱۵- نصری، قدیر (۱۳۸۵): روش و نظریه پردازی در امنیت پژوهی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۱۶- هادی، الهام و الناز هادی (۱۳۹۷): بررسی روند و عوامل مؤثر در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تبریز، مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲ مهر، صفحه ۶۳۳-۶۴۹
- ۴-
 17-Chowdhury, Farhat. Jahan and A.T.M. Nurul, Amin. (2006): *Environmental assessment in slum, improvement programs: Some evidence from a study on infrastructure projects in two Dhaka slums. Environmental Impact Assessment Review 26, pp 530– 552.*
- 18-Clinard, Marshal. B, *Slum and Community Development, The free Press, New York, 2001.*
- 19-Costello, M.A., 1987, *Slums and Squatter Areas as Entrepots for Rural-Urban Migrants in a Less Developed Society, Social Forces, Vol .66, No. 2, PP. 427-445.*

- ۲۰- *Moitra. M. K. (1991) Environmental Improvement of Slums: The Calcutta, Experience, Building and Environment, Printed in Great Britain. Pergamon Press plc, Vol. 26, No. 3, pp. 253-257.*
- 21- *Park, Robert E, ,(2002) Human migration and marginal man, American Journal of sociology. Vol. 33*
- 22- *UN-HABITAT(2003)Challenge of Slums: Global report on Human Settlement*
- 23- *Weiner, mark,(2002) Internal migration policies and effects, Lexington Books*

